

تخریب برای آبادانی با برادران رحمتی



مروری بر کارنامه موفق گروه تخریب ساختمان و گودبرداری برادران رحمتی

محصول ۲۰ سال تلاش است. محصول سرد زمستان و گرمای سوزان تموزان و امضا و مهر تایید بزرگان شهر که در پایین این کارنامه حک شده است. شکرالله رحمتی، این موقعیت و اعتبار را آسان بدست نیاورده است و می‌داند که فرزندانش میراث داران این پیشینه درخشان خواهند بود. او به فرزندانش آموخته است که بزرگترین سرمایه هر فعال اقتصادی صداقت است و مشتری را بزرگترین موهبتی می‌داند که خداوند در مسیر زندگی او قرار داده است تا راه رسیدن به اهداف و کمال را بر آن‌ها هموار سازد. شکرالله رحمتی و فرزندانش در مکتب ارزش‌ها رشد و تعالی یافته و امروز با مجموعه تخریب ساختمان برادران رحمتی سر را به پشتوانه یک عمر تلاش صادقانه بالا گرفته و به دستاوردهای این ۲۰ سال حضور پررنگ، افتخار می‌کنند. رحمتی الگوی تمام آنهایی است که می‌خواهند خدمتگذار جامعه‌ای باشند که لایق بهترین‌هاست، او مرد میدان عمل است. با شکرالله رحمتی در فضایی سرشار از مهرورزی و لبخند به گفتگو نشستیم. سعید رحمتی، فرزند بزرگ آقا شکرالله، ما را در این گفت‌وگو همراهی می‌کند:

و سبزی‌های تازه‌اش، گل‌های سرخ و دیوارهای پوشیده از بوته‌های رونده و آن حوض آبی و پر از آبی که هرگاه پدر بزرگ از سر کار به خانه می‌آمد، دو هندوانه بزرگ را به آب می‌انداخت و از تالاب و تولویش ماهی‌های قرمز داخل حوض وحشت زده می‌شدند. دیگه وقتشه با این خانه رویایی و پر از خاطره خداحافظی کرد. آقا شکرالله! کلنگت را بردار و بیا. البته بیل‌های مکانیکی و ابزارهای پیشرفته‌ای که این بنا را از ریشه بیرون می‌کشند و دیگران جای آن شاید ۱۰ آپارتمان بزرگ و کوچک می‌سازند، تا بوده همین بوده و چاره و گریزی بر آن نیست. شکرالله رحمتی، همیشه نان از عرق جبین خورده و به کسب روزی حلال خداوند را سپاسگزار است. او از جمله مدیران طلایی کشور است که هم طبیعت کارش میز و پست و ژست نمی‌شناسد و هم روحیه خاکی و تواضع و مردمداری‌اش به او اجازه نداده است که به شرایط کار و کارگر و آدم‌های پیرامون زندگی‌اش نگاه از بالایی داشته باشد و خرسند است که امروز فرزندان خلفش راهی و شغلی را برگزیده‌اند که او آن را زندگی کرده و شناسنامه اوست. سعید رحمتی و برادرانش مسئولیت سنگینی را به دوش می‌کشند و باید از دستاوردهایی حراست کنند که

سخت و شغلی که کمتر کسی جرات ورود به آن را پیدا می‌کند. تجربه‌های گران‌بهایی را برای ایشان که با همراهی فرزندانشان توانسته‌اند کارنامه قابل قبولی از خود به جای بگذارند، به دنبال داشته است. بنای حضور شکرالله رحمتی، سعید رحمتی و رحمتی‌هایی که توانمندی‌هایشان بر کسی پوشیده نیست اگرچه با تخریب و ویرانگری آغاز و ادامه می‌یابد اما این نام و این برند بنایی است که هیچ عامل خارجی نتوانسته است پایه‌هایش را بلرزاند و موقعیتش را تهدید یا تخریب کند. هنگامی که یک شهروند می‌گوید: وقت آن است که خانه‌ام را تخریب و جای آن بنایی درخور زندگی بسازم. آنگاه نام‌هایی همچون برادران رحمتی به ذهن متبادر می‌شود. قصه‌ی آبادگری ساختمان در هر نقطه شهر با تخریب یک بنا آغاز می‌شود. بنایی که دیگر عمرش سر رسیده است و هر روز از گوشه و کنارش نم و رطوبت و صدا و ترکی هویدا می‌شود، خانه‌ای که چه بسا کانون خاطره‌هاست، حیاطی به وسعت آرامش پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌هایی که چه روزهایی را در آن به شب رسانده‌اند، حضور آخر هفته فرزندان و نوه‌ها و دنیا شادی و عشق و مهربانی. آن درخت‌های توت و گیلاس و باغچه

اشاره: اقتصاد و دنیای کسب و کار مثل یک مجموعه زنده مدام در جریان و تکاپوست و در این اقلیم آنقدر رفت و آمد و هیاهو زیاد است که گاه افسار این اقتصاد پاره و اختیار از کف خارج می‌شود. کم فروشی، احتکار، گران فروشی، کالاهای تقلبی، کالاهای تاریخ مصرف گذشته، بسته بندی‌های غیر استاندارد، کارگاه‌های زیر پله‌ای، فعالان بدون مجوز، کالاهای بدون مجوز و دهها موضوع دیگر که همه سوغات و ره آورد بی برنامه‌گی و به هم ریختگی‌های اقتصادی است. اما اگر همه اتفاقات قانونمند دنبال شوند، اقتصاد نیز روی آرامش را به خود می‌بیند. در این فضا اگرچه قانون گریزان انگشت شمار هستند، اما همین هم برای ایجاد و دست‌اندازهایی که سایر فعالان اقتصادی و مجریان قانون را به زحمت بیندازد، کافی است. نباید از تلاش صادقانه مبتنی بر ارزش‌ها و پایبندی به اصول و ضوابط قانونی عده زیادی از کارآفرینان چشم پوشی کرد، آن‌هایی که نان از عمل خویش می‌خورند و با انصاف و عدالت و مشتری‌مداری، مسیر درستی را انتخاب نموده و دنبال می‌نمایند. شکرالله رحمتی از آن دسته مدیران است که اگرچه بنا تخریب می‌کند، اما نقطه‌ی آغاز هر آبادانی است. بیست سال فعالیت در عرصه‌ای

